

جایگاه قدرت نرم فرهنگی در راهبرد جدید غرب علیه ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۴/۲۵

علی اکبر جعفری *

تاریخ تأیید مقاله: ۹۲/۸/۵

سید محمد جواد قربی **

چکیده:

امروزه تکامل یافته‌ترین شکل تهدیدهای کشورهای غربی، ماهیت ایدئولوژیک و راهبردی پیدا کرده که این روند، خطرهای امنیتی فراگیری را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آورد. آنچه راهبردشناسان غربی و نظریه‌پردازان آمریکایی به آن رسیده‌اند، هزینه بالای بهره‌گیری از قدرت سخت است و به همین دلیل، به سوی قدرت نرم فرهنگی گرایش پیدا کرده‌اند. از این رو، ماهیت تنازع بین غرب و ایران تحول یافته و شکلی خزنده، نرم و پیچیده به خود گرفته است. در این مقاله در صددیم تا جایگاه قدرت نرم فرهنگی را در راهبردهای جدید غرب علیه ایران بررسی کنیم و در این مسیر، مبانی قدرت نرم ایران را برشماریم تا از این طریق بتوانیم راهکارهای مقابله‌ای تجویز کنیم. یافته‌های این مقاله حاکی از آن است که مؤلفه‌های قدرت نرم ایران را می‌توان در مواردی همچون: اتحاد ملی، انسجام ارزشی، مشروعیت سیاسی، نیروی انسانی کارآمد، فرهنگ و هویت اسلامی مقتدر، جنبش نرم‌افزاری، گزینش راهبردهای مناسب برای حل معضلات فرهنگی و غیره مشاهده کرد. در این میان، برخی از راهکارهای فرهنگی - اجتماعی برای مقابله با قدرت نرم فرهنگی غرب را می‌توان در گزینه‌های ذیل خلاصه کرد: افزایش سطح خودباوری ملی، استفاده از نگاه علمی برای بازسازی دیپلماسی عمومی و فرهنگی کشور، آینده‌پژوهی تهدیدهای فرهنگی، فعال‌سازی نیروهای انسانی، قانونمند کردن نظام دیپلماسی فرهنگی کشور، تولید علم و فناوری‌های نوین، حمایت از فعالیتهای فرهنگی در فضای مجازی، تقویت ظرفیتهای رسانه‌ای و غیره.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، فرهنگ، جمهوری اسلامی ایران، غرب، اتحاد ملی، مشروعیت، هویت اسلامی.

* استادیار علوم سیاسی و معاون پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

** کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی. Email: ghorbi68@yahoo.com

مقدمه

در شرایط فعلی به نظر می‌رسد قدرت متراکم و سخت آمریکا دچار بحران اساسی شده است. به همین منظور، آمریکا درصدد به کارگیری قدرت نرم^۱ برای مقابله با حریفان خود به خصوص ایران است. ریشه‌های جنگ نرم^۲ علیه ایران را باید در ناراضی‌های عمومی ایجاد شده به وسیله رسانه‌های غربی بررسی کرد که این مسئله موجب می‌شود برخی از گروه‌های غیر دولتی برای رفع مشکلات عمومی به سازماندهی بخش‌های مختلفی از جامعه اقدام کنند و گسترش این نوع سازماندهی، باعث افزایش امکان بسیج اجتماعی برای گروه‌های غیر دولتی می‌شود. با تحقق مراحل یاد شده، در واقع شرایطی به وجود می‌آید که جامعه از لحاظ قدرت اجتماعی گروه‌ها، با چندگانگی مراکز قدرت روبه‌رو شود؛ بدین معنی که سازمان‌های غیر دولتی به موازات دولت، توانایی لازم را برای تشکیل بسیج اجتماعی از اعضای خود در مقیاسی چشمگیر فراهم می‌آورند. در چنین حالتی، جامعه به چند دسته تقسیم می‌شود و برخی از نخبگان اجتماعی از اقشار مختلف، به عضویت سازمان‌های غیر دولتی درمی‌آیند و نیازهای مالی، روانی و اعتبار اجتماعی خود را از نهادهای متفاوت از حکومت تأمین می‌کنند. (متقی، ۱۳۸۷: ۳۶۶-۳۶۵)

تهدیدها علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در برهه زمانی کنونی را می‌توان در چارچوب دو نوع تهدیدهای نظامی و تهدیدهای نرم تقسیم‌بندی کرد. اولویت قائل شدن برای هر کدام از این تهدیدها، راهبرد امنیتی متفاوتی را در برابر تصمیم‌گیران قرار می‌دهد. در صورتی که تهدیدهای نظامی، در تحلیلهای امنیتی از اولویت برخوردار باشند، راهبرد امنیتی کشور نیز تحت تأثیر تفکرات و رویکردهای نظامی و سخت‌افزاری قرار خواهد گرفت. راهبرد دشمنان جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی، مبتنی بر اقدامات غیر نظامی و نرم در کنار تهدید به اقدام نظامی است. هدف اصلی دشمن از چنین اقداماتی، تضعیف حاکمیت ایران و افزایش هزینه‌های نظامی و امنیتی کشور است. به عبارت دیگر؛ آمریکا و سایر دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر گفتمان اقدام نظامی علیه ایران، سعی می‌کنند راهبرد امنیت ملی ایران را به سوی برنامه‌ریزی‌های پرهزینه سوق دهند. (همان: ۳۶۸)



1. Soft Power.
2. Soft War.



پس از اینکه دشمنان نظام نتوانستند از طریق قدرت سخت و جنگ نظامی، انقلاب اسلامی ایران را از پای درآورند، به این نتیجه رسیدند که راههای نرم و فرهنگی را برای براندازی نظام اسلامی مورد آزمایش قرار دهند. از این رو، جنگ نرم را در دستور کار خود قرار دادند. شواهد و تحولات موجود نشان می‌دهد که آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، بر جنگ نرم با پشتیبانی جنگ اقتصادی تمرکز دارد.

نتایج تلخ تهاجم نظامی به افغانستان و عراق از یک سو و شرایط متفاوت ایران در امکان تحقق پیروزی در نبرد سخت از سوی دیگر، آمریکا را بر آن داشته تا تمامی امکانات خود را برای پیروزی در جنگ نرم فرهنگی آماده سازد. این جنگ در لایه‌ها و سطوح مختلف در حال انجام است که جبهه‌هایی از آن را می‌توان به شرح ذیل اعلام کرد:

- اتحاد و ائتلاف بین اپوزیسیونهای مختلف و معارض ایران، اعم از سلطنت‌طلبان، جمهوری‌خواهان، تجزیه‌طلبان قومی و گروههای معاند مذهبی؛

- حضور گسترده در برخی از کشورهای همسایه برای هدایت جنگ نرم؛

- تمرکز بر حوزه معرفتی، رسانه‌ای و دانشگاهی کشور و جلب همکاری بخشی از نخبگان در تولید و توزیع اندیشه‌های جنگ نرم و براندازی نرم؛

- معطوف شدن مؤسسات، دانشگاهها و مراکز راهبردی آمریکا به موضوع ایران و اعطای تسهیلات لازم برای گروههای مخالف جمهوری اسلامی ایران. در این ارتباط برخی از عناصر اپوزیسیون جدید که بعضاً دارای سابقه و مسئولیت مهمی در کشور بوده‌اند، توسط مؤسسات مزبور، بورسیه تحصیلات عالی از آمریکا دریافت کرده، مشغول تحصیل می‌باشند. کنسول آمریکا در دبی، در گفتگویی خصوصی اظهار می‌دارد: آمریکا در پروژه‌های با عنوان «فول برایت»، قصد هزینه کردن بودجه‌های ضد ایرانی برای تحقق دموکراسی و جذب نخبگان ایرانی به دانشگاههای آمریکا را دارد. (صابری، ۱۳۸۹: ۶)

- کشور هلند در ۱۰ سال گذشته در حاشیه تعاملها و تقابلهای سیاسی و اقتصادی اروپا و ایران، سرمایه‌گذاری کلانی را در تأسیس، آموزش و آغاز جنگ نرم علیه ایران انجام داده است. این کشور در یک مأموریت خاموش از سوی آمریکا و اروپا، کانون رفت و آمدهای روزنامه‌نگاران، اعضای تشکلهای دانشجویی، برخی از استادان دانشگاهی و روشنفکران و عناصر فکری اپوزیسیون داخل و خارج از کشور بوده است. این همکاری‌ها در قالب آموزش کلاسیک، کارگاههای آموزشی، برگزاری همایش یا نمایش فیلم انجام



گرفته و روندی به نسبت آشکار داشته تا حساسیت جمهوری اسلامی ایران را در بر نداشته باشد.

- در نهایت اینکه، وزارت خارجه آمریکا در سال ۱۳۸۵ از طرح جدید فرهنگی علیه ایران خبر داد. در این طرح، دولت آمریکا از طریق سفارتخانه‌های خود در کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر کشورهای همسایه ایران، با سازمانهای غیر دولتی و رسانه‌ای ایران همکاری و تعامل خواهد داشت. (صابری، ۱۳۸۹: ۶)

مقاله حاضر در صدد است به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- قدرت نرم در سطح ایده به چه معناست و به مثابه یک راهبرد علیه ایران چگونه صورت می‌گیرد؟

- ابزارهای قدرت‌افکنی ایران در ابعاد سخت و نرم قدرت کدامند و در این راستا

جمهوری اسلامی ایران از چه مبانی‌ای برخوردار است؟

- چه راههایی برای مقابله با قدرت نرم و جنگ روانی علیه ایران در سطح فرهنگی-

اجتماعی وجود دارد؟

۱. قدرت نرم فرهنگی به مثابه یک ایده

جوزف نای^۱ صاحب‌نظری نام‌آشنا برای دانشجویان و اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی به حساب می‌آید و در این زمینه آثار متعددی در قالب کتاب و مقاله به چاپ رسانده است. بی‌تردید، وی یکی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران دوره کنونی در تشریح و تبیین سرشت قدرت در عرصه جهانی به شمار می‌رود. جوزف نای به اتفاق همکار همیشگی‌اش؛ یعنی روبرت کوهن، به عنوان بنیانگذار رویکرد نئولیبرالیسم در عرصه روابط بین‌الملل شناخته شده است. این دو همکار با یکدیگر در سال ۱۹۷۷، با انتشار کتابی تحت عنوان «قدرت و وابستگی متقابل»، این رویکرد تازه را برای مطالعه سیاست بین‌المللی بنیان نهادند (نای، ۱۳۸۷: ۹). از این رو جوزف نای، نظریه خود را در این زمینه در سالهای ۹۰-۱۹۸۹ در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت متحول قدرت جهان» مطرح کرد و در آثار بعدی به تفصیل، آن را مورد پردازش قرار داد و قدرت نرم را مطرح و تبیین ساخت. (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۰: ۲۴)

1. Joseph Nye.

جهان معاصر را می‌توان جهان نظریه‌ها نامید؛ به گونه‌ای که صاحبان تجربه و اندیشه تلاش می‌کنند تا با درج ایده‌های خود در قالب نظریه، امکان معرفی آن به جامعه جهانی و سپس توسعه و ترویج آن را فراهم کنند. به همین دلیل است که شاهد تولید مفاهیم جدید به صورت فزاینده هستیم. از جمله این مفاهیم که حجم بالایی از نظرات و اصول معرفتی را با خود به همراه دارد، می‌توان به «قدرت» در عرصه حاکمیت جهانی و ملی اشاره کرد.

جهان امروز به لحاظ معرفتی، با گذر از تجربه‌های ناموفقی که به‌ویژه در مباحث مرتبط با قدرت و جنگ‌های قدرت در «پارادایم نظری» تمدن غربی داشته، به گونه‌ای شتابان و البته حیران و معلق، در حال دستیابی به نظریات جدید و تولید ساختار مفهومی و تعاریف نوین از قدرت، حاکمیت، ارتباطات انسانی و تعاملات جامعه جهانی است. در این حال، حرکت لایه‌های عمیق معرفت بشری با بازگشت به سنن الهی و احساس نیاز به معنویت و معنای نوین زندگی و ساماندهی قدرت بر این اساس، حیطةای نوین را در تعریف قدرت و ایجاد تعاملات جهانی پیش روی اندیشمندان و حتی توده مردم به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه قرار داده است. شناخت ماهیت قدرت - به‌ویژه قدرت نرم - و استعاره مولد آن به عنوان عامل ایجادکننده قدرت حقیقی در عصر حاضر مهم‌ترین رسالت اندیشمندان این دوره را تشکیل می‌دهد. (افتخاری، ۱۳۸۹)

قدرت نرم، امپریالیسم فرهنگی و هژمونی فرهنگی، سه معنای قریب و کم و بیش مشترکند. آنچه از فحوای سخنان اندیشمندان در توضیح این واژه بر می‌آید این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخل و خارجی، تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضا بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویشتن ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. این قدرت معمولاً در مقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و به عبارت دیگر؛ قدرت سخت به کار می‌رود.

بارزترین نمونه قدرت نرم در سطح خرد، تصویری است که ماکس وبر از نفوذ و اقتدار بلامنازع شخصیت‌های بزرگ و چهره‌های منتقد و کاریزما به دست داده است (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۳۳). بنابر این، در تعریف قدرت نرم می‌توان گفت:

«اقداماتی است برنامه‌ریزی شده برای جلب نظر و افکار گروه هدف تا با مشاهده تولیدات و ایده‌های جدید عرضه شده، به مرور زمان از آنچه که باور و اعتقاد داشتند، دست بردارند و



رفتار ناشی از آن باورها و اعتقادات را فرو گذارند و در سیر و تحولی طبیعی، تولیدات و ایده‌های جدید را جایگزین آنها نمایند و رفتاری متأثر از این جایگزینی‌ها بروز دهند. نرم‌افزارگرایی بر پایه قدرت نرم در چارچوب امنیت ملی است. این قدرت به عنوان منبع خاص اعمال قدرت امریکا بر مبانی فرهنگی - ارزشی و اقتصادی مبتنی است.» (نای، ۲۰۰۴)

قدرت نرم را می‌توان تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود. قدرت نرم نوعی سلطه کامل در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه‌ای تهدید محقق می‌شود. با این نگرش، تمامی اقداماتی که موجب شود تا اهداف و ارزشهای حیاتی یک نظام سیاسی به خطر افتد، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور شود، قدرت نرم به شمار می‌آید. تغییرات حاصل از قدرت نرم، ماهوی، آرام، ذهنی، تدریجی و نرم‌افزارانه است.

این تهدید، همراه با آرامش و خالی از روشهای فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی، رسانه‌ای، احزاب، تشکلهای صنفی و قشری و شیوه القا و اقناع انجام می‌پذیرد. جوزف نای می‌گوید: «قدرت نرم، توجه ویژه به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر، از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف، به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز بگیرد. بنابر این، قدرت نرم توانایی کسب آنچه که می‌خواهید از طریق جذب کردن، نه از طریق اجبار یا پاداش است.» (همان)

۲. فرهنگ، سیاست و قدرت نرم

فرهنگ از جمله واژگانی است که به دلیل تنوع و تکثر نگرش و رویکردهای معطوف به آن، دارای تعاریف زیادی است. هر کس با توجه به نگرش خود به موضوع، تعریف خاصی ارائه کرده است. از این رو، جهت رفع این آشفتگی در مفهوم، به برخی از تعاریف اشاره می‌شود.

برخی معتقدند فرهنگ، مجموعه سازمان‌یافته‌ای از هنجارها، ارزشها و قواعد است. سر ادوارد تاپلر معتقد است: فرهنگ، عبارت از مجموعه دانشها، اعتقادات، هنرها،

اخلاقیات، قوانین، رسوم و هر گونه توانایی و عادت دیگری که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه، اکتساب شود. فرهنگ در معانی وسیع‌تر، شامل همهٔ فراورده‌ها و تولیدات انسانی است که در مقابل فرایندها و تولیدات طبیعت قرار می‌گیرد. برخی دیگر از فرهنگ‌شناسان و تمدن‌شناسان، دو واژه فرهنگ و تمدن را یکی تلقی کرده؛ در حالی که برخی دیگر، این دو را جدا می‌کنند. تعریف ریموند ویلیامز از فرهنگ نیز قابل توجه است. به نظر وی، فرهنگ را می‌توان به عنوان «فرایند عمومی تکامل و توسعهٔ فکری، معنوی و زیباشناختی و به عنوان شیوهٔ خاص زندگی مردمی خاص یا دورانی خاص»، تعریف کرد یا به طور کلی به عنوان فراورده‌های فعالیت فکری و هنری تعریف می‌شود، که به نظر می‌رسد این تعریف، شامل کل فلسفه، اندیشه، هنر و خلاقیت فکری یک عصر یا کشور و همچنین آداب، عادات و رسوم و مناسک اقوام و ادبیات و هنرهای مختلف می‌شود. بنابر این، آنچه از مفهوم فرهنگ در این تحقیق، مد نظر است، تعریف خاصی از فرهنگ است که شامل بخش نرم‌افزاری یک تمدن می‌شود که مجموعهٔ دانشها، اعتقادات، ارزشها، هنجارها، طرز تلقی‌ها و آداب و رسوم که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه توسط انسان اکتساب می‌شود را در بر می‌گیرد.

اساساً از واژه فرهنگ در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل، به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود و آنچه از محتوای کلمات متفکران و اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم برمی‌آید این است که قدرت نرم، محصول و برابند تصویرسازی مثبت، ارائهٔ چهرهٔ موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بردیگران و... است؛ به طوری که امروزه، این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی توأم با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است به کار می‌رود. (خراسانی، ۱۳۸۷: ۵۴-۴۹)

برخی از عواملی که تولیدکننده یا تقویت‌کنندهٔ قدرت نرم هستند، عبارتند از:

- ترویج زبان و ادبیات؛
- تبلیغ آرمانها و ارزشهای متعالی؛
- موقعیت ایدئولوژیکی؛
- ارتباط دیپلماتیک مناسب و گسترده؛
- مناسبات و مبادلات فرهنگی؛



- ارائه تصویر مطلوب از خود؛
 - بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای مقاصد دیپلماتیک؛
 - طراحی و اتخاذ راهبردها و سیاستهای مقبول؛
 - زدودن ذهنیتهای تاریخی منفی،
 - کسب جایگاه علمی پیشرفته و فناوری‌های نوین؛
 - توانمندی اقتصادی بالا؛
 - قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی؛
 - قدرت نفوذ در باورها و نگرشها؛
 - برخورداری از شبکه‌های خبری جهان‌گستر و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع به کشورها و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی.
- همچنین می‌توان به مواردی همچون: برخورد مناسب و اتحاد مواضع مقبول در برخورد با بحرانهای بین‌المللی، ارائه خدمات بشردوستانه، رعایت استانداردهای حقوق بشر، حمایت از جنبشهای سبز و محیط زیست، مشارکت در جنبشهای صلح‌طلب و نیروهای حافظ صلح، تشکیل انجمنهای دوستی با کشورهای مختلف، حضور گسترده در جوامع فرهنگی و رایزنی‌های فرهنگی در سطح وسیع اشاره داشت که در ایجاد و تقویت قدرت فرهنگی مؤثرند. برخی از نویسندگان حوزه روابط بین‌الملل، عوامل مؤثر دیگری را در تولید و تقویت قدرت نرم و سخت ذکر کرده‌اند که عبارتند از: وضعیت جغرافیایی (آب و هوا، وسعت خاک، موقعیت جغرافیای سیاسی، جمعیت و نیروی انسانی)، ظرفیت صنعتی، ارتباطات، استعدادهای علمی، اختراعات، ابتکارات، سازمان اداری و دولتی، ایدئولوژی و اخلاق اجتماعی، اطلاعات و سطح آگاهی، خرد رهبری و روحیه ملی. در مجموع می‌توان گفت از جمله ممیزات قدرت نرم، مردمی بودن و غیر رسمی بودن آن است.
- به عبارت دیگر؛ قدرت نرم، زمانی می‌تواند تولید گفتمان سازگاری با افکار عمومی کند که مستلزم قدرت سخت نباشد و بتواند به دور از محدودیتها و امر و نهی‌های قدرت سخت، در شرایط و فضای آزاد، تولید گفتمان محلی، منطقه‌ای و فراملی کند و با سهولت، پیام خود را به افکار عمومی جهانیان برساند. نکته قابل توجه آن است که قدرتی که از این طریق حاصل می‌شود را نباید با عوام‌گرایی و تولید عوامانه گفتمان اشتباه گرفت، بلکه قدرت نرم (قدرت فرهنگی) به معنای تخصصی کردن، علمی کردن و

عقلانی کردن حوزه قدرت در همه عرصه‌هاست.

برخی از محققان حوزه فرهنگ بر این باورند که تأثیر فرهنگ و خلق و خوی اقوام و ملت‌ها و همچنین نحوه اثرگذاری فرهنگ ملی، نه تنها بر سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی، بلکه بر نحوه جنگ و دفاع هم تأثیرگذار است. این نظریه‌ها به این نتیجه می‌رسند که همه ملت‌ها حتی در جنگیدن نیز فرهنگ و سبک و سیاق خاص خود را دارند؛ یعنی در نحوه جنگیدن، در چگونگی تدوین یک راهبرد، روش خاص هر قوم و هر ملتی با فرهنگ دیگر متفاوت است. (همان: ۷۱-۵۴)

استانلی هافمن نیز معتقد است که فرهنگ و خلق و خوی هر ملتی، بر رفتار سیاسی آنها در عرصه سیاست جهانی تأثیر گذار است. وی این دیدگاه را با مثالی از رفتار سیاسی آمریکایی‌ها در عرصه سیاست جهانی تعقیب می‌کند. او بر این باور است که علت اصلی دخالت آمریکایی‌ها در مسائل جهانی، ریشه فرهنگی دارد؛ زیرا آمریکایی‌ها در مسائل جهانی، مسئولیتی را بر دوش خود احساس می‌کنند. آنها خود را روی جزیره‌ای می‌بینند که هیچ خطری متوجه آنها نیست و در اطراف آنها انسانهایی در حال غرق شدن هستند که دست نیاز به جانب آنها دراز کرده‌اند. بنابر این، مداخله آمریکایی‌ها نه از روی خبث طینت، بلکه جزیی از فرهنگ سیاسی آنهاست. آنها وظیفه اخلاقی خود می‌دانند که در مسائل سیاسی جهان شرکت کنند و این دخالت را لطفی به حال ملت‌های جهان تلقی می‌کنند. بنابر این، امروزه می‌بینیم که فرهنگ، توجه اهل سیاست را به خود جلب کرده است. این امر نه به این معناست که سیاستمداران، همیشه اهل فرهنگند (ر.ک. به: قوام، ۱۳۸۴: ۲۹۸-۲۹۲)، بلکه به این معناست که فرهنگ، هم به عنوان ابزار سیاست شناخته شده و هم به عنوان یک امر مطلوب اجتماعی که وظیفه دولت، ترویج و ارتقای آن است. (خراسانی، ۱۳۸۷: ۷۱-۵۴)

۳. قدرت نرم؛ راهبرد جدید آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران

پدیده قدرت نرم که هم اکنون به عنوان پروژه‌ای عظیم علیه جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین است، در شاخصهایی مانند ایجاد نابسامانی اقتصادی، شکل دادن به نارضایتی در جامعه، تأسیس سازمان‌های غیر دولتی در حجم گسترده، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی برای ناکارآمد جلوه دادن دستگاه اداری و اجرایی دولت، تضعیف حاکمیت ایران از طریق روش‌های مدنی و ایجاد ناتوانی فرهنگ متبلور می‌شود. در برابری جنگ نرم،



عوامل براندازی یا از زمینه‌های موجود در جامعه برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند یا به طور مجازی سعی در ایجاد نارضایتی در نزد افکار عمومی و سپس بهره‌برداری از آن دارند. (احدی، ۱۳۸۷)

ریشه‌های جنگ نرم علیه ایران را باید در نارضایتی‌های عمومی ایجاد شده به وسیله رسانه‌های غربی بررسی کرد. این مسئله موجب می‌شود برخی از گروه‌های غیر دولتی برای رفع مشکلات عمومی، به سازماندهی بخش‌های مختلفی از جامعه اقدام کنند که گسترش این نوع سازماندهی، باعث افزایش امکان بسیج اجتماعی برای گروه‌های غیر دولتی می‌شود. با تحقق مراحل یاد شده، در واقع شرایطی به وجود می‌آید که جامعه از لحاظ قدرت اجتماعی گروه‌ها، با چندگانگی مراکز قدرت مواجه می‌شود؛ بدین معنی که سازمان‌های غیر دولتی به موازات دولت، توانایی لازم را برای تشکیل بسیج اجتماعی از اعضای خود در مقیاسی چشمگیر فراهم می‌آورند. در چنین حالتی، در حقیقت جامعه به چند دسته تقسیم می‌شود و برخی از نخبگان اجتماعی به عضویت سازمان‌های غیر دولتی درمی‌آیند و نیازهای مالی، روانی و اعتبار اجتماعی خود را از نهادی متفاوت از حکومت تأمین می‌کنند.

البته ظهور جنگ نرم زمانی کاملاً ملموس است که دولت از نظر توان بسیج اجتماعی، ضعیف بوده و قدرت کافی را برای مقابله با سایر مراکز قدرت اجتماعی نداشته باشد (متقی دستنایی، ۱۳۸۹: ۳۶۶-۳۶۵). پس می‌توان ادعا کرد که جنگ نرم و عملیات روانی، امری حتمی و واقعی است. از این رو، باید راه‌هایی برای مقابله با آن ارائه داد تا در کنار مبانی نرم ج.ا. ایران از آنها بهره جست.

۴. ابزارهای قدرت افکنی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد سخت و نرم

کشورها برای اعمال قدرت خود به ابزارها و نیروهایی چون: نیروی دریایی، هوایی و ... نیاز دارند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که قدرت و توانمندی‌های زیادی دارد، از ابزارهای لازم برای قدرت افکنی برخوردار است.

نیروهای دریایی و هوایی ایران با دارا بودن قابلیت و کارایی مناسب، با قدرت و اقتدار در خدمت سیاست‌های کشور، که ماهیتی تدافعی دارند، قرار گرفته است. توجه به برنامه‌های نیروی دریایی جمهوری اسلامی در این زمینه مهم است. نیروی دریایی در کنار پیشرفتهای فناوریانه و ساخت تجهیزات جدید، برنامه‌های دیگری را نیز در دستور

کار دارد. اینها نشان‌دهنده توانایی قدرت‌افکنی کشورمان در عرصه دریایی است. به لحاظ داشتن پایگاههای برون‌مرزی باید اشاره کرد که ایران در جهت سیاست تدافعی خود هیچ‌گاه به دنبال دستیابی به پایگاههای برون‌مرزی نبوده و همواره اعتقاد داشته است که با اتکا به نیروهای مسلح خود، قادر است از مرزهای زمینی، هوایی، دریایی و تمامیت ارضی کشور، حراست و پاسداری کند. به طور کلی ابزارهای سخت‌افزارانه دفاعی کشور در خدمت «بازدارندگی» بوده و وضعیت مطلوب دفاعی کشور نیز حاکی از کارآمدی آنهاست. (عسگری، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۲)

درباره نرم‌افزار و ابزارهای نرم باید گفت ایران در سالهای اخیر برای ایجاد زیرساختهای لازم تلاشهای فراوانی کرده است. راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی مانند العالم و پرس تی‌وی^۱ و پخش برنامه‌های گوناگون به زبانهای متنوع، از جمله این اقدامات است. در دیگر زمینه‌ها نظیر رسانه‌های مکتوب و نیز تبادل دانشجو، با توجه به اهمیت موضوع، برنامه‌های گسترده‌ای در حال اجراست. همچنین در حوزه دیپلماسی نظامی و تلاش برای ایجاد گفتمانهای مورد نظر، با استفاده از ظرفیتهای موجود و پیگیری همه‌جانبه برنامه‌های در دست اجرا، گامهای مثبتی برداشته شده است. (همان: ۸۳)

۵. مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

مبانی قدرت نرم ایران از جمله مباحثی است که در خلال سالهای اخیر توجه برخی صاحب‌نظران را به خود معطوف کرده است. البته روشن است که بررسی منابع و سطح توانمندی‌های ایران از این منظر نمی‌تواند در بر دارنده مطالب زیادی باشد، اما فهم آن ضروری می‌نماید. شاید در این راستا، نایت^۲ یا تک‌نگارهایش با عنوان «ایران و قدرت‌افکنی راهبردی»^۳ از اولین محققان در این خصوص باشد (نایت، ۲۰۰۷: ۳۰-۲۰). با این تفاسیر، مبانی قدرت نرم ایران به شرح ذیل است:

الف) مشروعیت سیاسی

مشروعیت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر حمایت و پذیرش مستمر مردم از حکومت، سیاستها، و برنامه‌های نظام در داخل و خارج استوار است. طبیعتاً هر

1. Press TV.
2. knight.
3. Iran and strategic power projection.



چقدر این پذیرش و حمایت بیشتر باشد؛ یعنی بعد داخلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران افزون تر است و در نتیجه، موفقیت دولتمردان کشورمان در سطح بین‌المللی هم بیشتر می‌شود. اهمیت مردم و حمایت آنها از نظام تا حدی است که از مردم به عنوان اصلی‌ترین عنصر قدرت ملی یاد می‌کنند. در نظام سیاسی اسلام و انقلاب اسلامی ایران، مردم یکی از سه رکن نظام می‌باشند؛ رکن مهمی که مکمل و متمم دو رکن دیگر؛ یعنی اسلامیت و رهبری است (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۸۴). این مشروعیت سبب شده تا عملیات روانی مسموم دشمنان تا حدود زیادی خنثی شود.

ب) اتحاد ملی

شرایط کنونی، با امیدها و نویدهای فراوانی همراه است و نشانه‌های گوناگونی از بلوغ و رشد یک امت تاریخی را فرا روی ما قرار می‌دهد. وحدت بر محور تفکر اسلامی، یکی از این نویدهاست. این مقوله در آزمون بزرگ انقلاب اسلامی بیش از همه چیز نمودار شده است که تا به امروز ادامه دارد (نوابی، ۱۳۸۷: ۵). اتحاد ملی یعنی مردم دست به دست هم دهند و یکصدا و یکدل از منافع ملی دفاع کنند و برای پیشرفت میهن خویش تلاش کنند. این وضعیت دارای یک کلید جادویی است و آن، ارزش قائل شدن برای افراد است. (لاریجانی، ۱۳۸۷: ۲۶)

پس اتحاد ملی^۱ در یک جامعه سازمان‌یافته، ضامن اقتدار و هویت مستقل، حفظ بقا و تداوم آن است. عوامل اتحاد ملی متعدّدند؛ اما در جوامع متدین به ادیان توحیدی مثل ایران، مهم‌ترین عامل برای اتحاد ملی، اتحاد دینی است. (ظهیری، ۱۳۸۷: ۴)

ج) انسجام اسلامی

تلاش برای وحدت اسلامی و همبستگی در بین آنها و گسترش توانمندی‌های آنها در این جهت، نه تنها از برترین آرمانهای دینی و عمل به فرامین الهی است، بلکه از ضرورت‌های زمانه نیز به شمار می‌آید، که عقل پیوند عمیقی را میان آن و کرامت و عظمت امت اسلامی می‌بیند. اما دشمنان، این انسجام را بین مسلمین نشانه گرفته‌اند. از این رو، تلاش برای وحدت امت اسلامی، همراه با توجه و هوشیاری نسبت به عوامل بیرونی تخریب‌بخش خواهد بود (اصغری، ۱۳۸۶: ۵۸). این انسجام اسلامی به معنی فهم درد مشترک، دشمنی‌های مشترک و ظرفیتهای مشترک است و در این یکنوایی و همدلی است که وحدت، عینیت می‌یابد (نوابی، ۱۳۸۶: ۵). ایران با همسو کردن امت اسلامی در راستای

1. national unity.

اهداف خویش توانسته است بر قدرت نرم خویش بیفزاید.

د) رهبری مقتدر

هر جامعه‌ای به لحاظ ساختار و سیستم اجتماعی - سیاسی، دارای لایه‌های متفاوتی از قدرت است که در رأس همه آنها نخبگان دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...؛ یعنی حاکمان حکومتی قرار دارند. در این راستا، رهبری در هر جامعه‌ای با کسب مشروعیت و اقتدار و حل چالش درونی و بحرانهای هویتی، یکپارچگی، نفوذ و مشارکت می‌تواند اقتدار را که با قدرت نرم آمیخته شده است، نشان داده و با استفاده از ابزارهای قانونی به حکمرانی بپردازد. با توجه به مبانی گفته شده، می‌توان به این نتیجه رسید که رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران، دارای اقتدار مشروع بوده و از توانایی و کارآمدی فراوان برخوردار است و به عنوان یکی از عناصر قدرت نرم در عرصه‌های داخلی و خارجی به اهداف طراحی شده نظام می‌پردازد.

رهبری مقتدر در جامعه مها به عنوان مؤلفه مهم قدرت نرم، از عمق توده‌ها و از درون نخبگان دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخاسته است (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۸۷-۸۶) و از ایده‌های نظری و عملی مطلع و با گروهها و احزاب، اصناف و توده‌های مردمی شهری و روستایی آشناست.

ه) نیروی انسانی

نیروی انسانی از ارکان بی بدیل قدرت هر کشوری تلقی می‌شود. بسیاری از اندیشمندان در تبیین عناصر و مؤلفه‌های قدرت ملی، بر میزان جمعیت تأکید ویژه‌ای کرده‌اند. البته باید توجه کرد که علاوه بر کمیت نیروی انسانی، اگر کشوری جمعیتی با کیفیت نیز داشته باشد، وضعیت ایده‌آلی را خواهد داشت. ولی به هر حال، کمیت نیز کیفیت ویژه خود را دارد. با این وجود، میزان جمعیت همچنان از منابع و پشتوانه‌های قدرت کشورهاست. کشوری که جمعیت کوچکی دارد، با هر درجه از پیشرفت، نمی‌تواند در زمره قدرتهای بزرگ قرار گیرد. (عسگری، ۱۳۹۰: ۲۷)

نیروی انسانی، کلیدی‌ترین و قوی‌ترین عنصر توسعه و پویایی یک کشور محسوب می‌شود. در واقع؛ مهم‌ترین رکن توسعه، مردم با فرهنگ یک کشور محسوب می‌شوند (سریع‌القلم، ۱۳۸۰: ۱۰۸). این نیروهای انسانی به مثابه یک سرمایه انسانی‌اند که مهارتها و توانمندی‌های فردی و جمعی را در بر می‌گیرد و باید این سرمایه را هر چه



بیشتر تقویت کرد تا از این طریق، ایران اسلامی بتواند بر همه‌های نرم اعمال شده بر ضد نظام اسلامی در حوزه‌های مرتبط با سرمایه‌های فیزیکی، مالی و انسانی، فایز آید (ردادی، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۶). حال این نیروها و منابع انسانی متعهد و متخصص، از منابع قدرت نرم ایران اسلامی می‌باشند.

(و) فرهنگ و هویت اسلامی ایرانی

فرهنگ یک جامعه، یعنی تمامیت باورها و ارزش‌های آن جامعه و همچنین آداب و رسوم برآمده از آن باورها و ارزشها. یکی از شیوه‌های جنگ نرم این است که هویت و فرهنگ اسلامی ما را به صورتی هنرمندانه و نامحسوس از میان بردارند یا اینکه دست‌کم آن را خرد و ناچیز جلوه دهند؛ آن را به عنوان تعالیم ضد بشریت و عامل عقب‌ماندگی و ایزوله شدن معرفی کنند. اگر جهان‌بینی و نظام ارزشی یک جامعه، دستخوش تحول و دگرگونی شود، در آن صورت آداب و رسوم اجتماعی و شیوه زندگی آنها نیز دگرگون خواهد شد (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۴۵). اما ایران دارای یک فرهنگ و هویت منسجم اسلامی-ایرانی است. از نظر فرهنگی و اعتقادی، ایران در مرکزیت جهان اسلامی قرار گرفته است؛ به طوری که در روند تحولات آینده جهان، می‌تواند با بعضی کشورهای منطقه نقش ارزنده‌ای را ایفا کند. گستردگی فرهنگی و تمدنی ایرانی اسلامی و میراث گرانبهای آن و گذشته تاریخی درخشان این سرزمین، پیوند عمیق فرهنگی، فکری و جغرافیایی با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، پاکستان و کشورهای همسایه غربی، منطقه‌ای راهبردی را به وجود آورده است که نشان‌دهنده امکانات بالقوه و بالفعل برای گسترش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه، تقویت مبانی قدرت نرم ایران است (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۹۶-۹۵). به هر حال برخی عوامل شکل‌دهنده به این روند را که بیانگر اقتدار و ثبات تمدن ایرانی‌اند، می‌توان به صورت محورهای زیر مورد بررسی قرار داد:

- ایران، مهد تمدن و حقوق بشر؛
- ایران، مهد ادب، فرهنگ و هنر؛
- ایران، سرزمین صنایع دستی برجسته و ارزشمند؛
- ایران، مهد دانش، خرد و علم؛
- ایران، سرزمین ملتی وطن‌دوست و بیگانه‌ستیز؛

- ایران، مهد یکتاپرستی و خداباوری؛

- ایران، مهد همزیستی اقوام متعدد؛

- ایران، سرزمین زنده‌کننده دین اسلام. (بلیک و گلشن‌پژوه، ۱۳۸۹: ۱۳۰-۱۲۹)

اینها فقط برخی از موارد نرم جمهوری اسلامی ایران است. در کنار اینها می‌توان به مواردی دیگر همچون: امید به آینده، مرجعیت، آموزه‌های شیعی، روحیه شهادت‌طلبی، تقیه، وفاداری مسئولان و مردم (ایزدی، ۱۳۸۷: ۷)، اعتماد اجتماعی و غیره اشاره کرد.

۶. قدرت نرم و جنبش نرم‌افزاری در ایران

به طور کلی، شهروندان مدرن در مقایسه با دورانهای گذشته، احساس هویت کمتری نسبت به دنیای سیاسی عصر خود دارند. این امر منجر به مسخ تاریخی و سیاسی شهروندان می‌شود. اگر شرایطی به وجود آید که به موجب آن، زمینه برای بازسازی کنشها و بازآفرینی قدرت به وجود آید، در آن صورت هر گونه هویت‌گرایی می‌تواند همبستگی اجتماعی شهروندان را برای نیل به نتایج سیاسی مؤثرتری به وجود آورد. کشورهایی که دارای رقابت سیاسی و ایدئولوژیک با قدرتهای بزرگ هستند، از قابلیت‌هایی بهره‌مند می‌شوند که در ازای آن، زمینه لازم برای انسجام درونی جهت مقابله با تضادهای بیرونی را به دست آورند. ایده جنبش نرم‌افزاری مبتنی بر این باور است که در شرایط کنونی، استمرار حیات نظام جمهوری اسلامی ایران و تکامل آن، منوط به تحقق جنبش نرم‌افزاری در درون این نظام است. بنابر این، می‌توان جنبش نرم‌افزاری را تلاش سازمان‌یافته‌ای برای تولید قالبهای علمی، اندیشه‌های سیاسی و نشانه‌هایی دانست که قادر به بازتولید و انعکاس هویت انقلابی در کشورهای مختلف از جمله ایران است. صرفاً در چنین شرایطی است که امکان تأمین مطلوبیت اقتصادی - راهبردی از طریق نشانه‌های فلسفی - ایدئولوژیک فراهم می‌باشد. (ترابی، ۱۳۸۷: ۹۹-۹۸)

بنابر این، جنبش نرم‌افزاری به معنای تلاش انقلابی برای تولید مفاهیم، ایده‌ها و نظریه‌های علمی، به عنوان پشتوانه تولید سخت‌افزار است. اگر جنبش نرم‌افزاری صرفاً در فضای شعار و برگزاری کنفرانسهای مختلف سازماندهی شود، به مفهوم آن است که فاقد قابلیت لازم برای پویایی سیاسی و راهبردی خواهد بود؛ در حالی که جنبش نرم‌افزاری باید بتواند به نتایج ملموس سخت‌افزاری نیز نایل شود. این امر از طریق بازآفرینی دائمی



اندیشهٔ تکامل در حوزهٔ فلسفی و تعمیم آن به عرصه‌های اجرایی، عملیاتی و سخت‌افزاری تحقق خواهد یافت. (همان: ۱۰۰)

۷. جمهوری اسلامی ایران؛ شرایط و زمینه‌های کسب قدرت نرم

ایران زمینه‌ها و شرایط لازم را برای کسب قدرت معنوی و ارتقای محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه دارد. دیپلماسی فعال کشور در چند سال اخیر، به اتخاذ و احیای سیاستهای خاص همت گمارده است که در مجموع به تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین‌المللی و زدودن برخی ابهامات و کسب تسلط فرهنگی کمک شایان کرده است. برخی از این سیاستها عبارتند از:

- الف) تلاش در جهت کسب موقعیت برتر به عنوان بزرگ‌ترین کشور منطقه، با پیشینهٔ تاریخی و موقعیت راهبردی؛
- ب) تشنج‌زدایی و پیشبرد صلح و امنیت در سطح منطقه و جهان؛
- ج) آمیزش فرهنگی، اقتصادی و دینی وسیع با بسیاری از کشورهای منطقه؛
- د) حسن همجواری با همسایگان و ارتقای اعتماد فی‌مابین از طریق اجرای سیاستهای اعتمادساز؛
- ه) اعلام خاورمیانه به عنوان منطقهٔ عاری از سلاحهای کشتار جمعی؛
- و) تحرک دیپلماتیک و حضور نسبتاً موفق در جوامع بین‌المللی؛
- ز) التزام عملی به رعایت معاهدات و پیمانهای بین‌المللی؛
- ح) طرح و ترویج ایدهٔ گفتگوی مذاهب، فرهنگها و تمدنها؛
- ط) حل و فصل مسالمت‌آمیز بحرانهای منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- ی) مشارکت فعال در اعطای کمکهای بشردوستانه به جامعهٔ جهانی؛
- ک) فعالیت دیپلماتیک گسترده در جهان اسلام در دورهٔ تصدی ریاست کنفرانس اسلامی؛
- ل) مخالفت صریح با حضور نیروهای خارجی در منطقه و غیره. (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷:

(۱۵۸-۱۵۹)

۸. ارائهٔ راهبردهای فرهنگی - اجتماعی برای مقابله با قدرت نرم

برای مقابله با قدرت نرم و جنگ روانی، نخست باید ویژگی‌های این نوع قدرت و جنگ را آنالیز کرده، خوب بشناسیم و بدانیم که قدرت نرم یا جنگ نرم با جنگ سخت، چه تفاوت‌هایی دارد. آنچه در جنگ سخت مورد هدف قرار می‌گیرد، جان انسانها، تجهیزات، امکانات و بناهاست که معمولاً در این مواقع با استفاده از همین مسائلی که مورد هدف قرار گرفته‌اند، افکار عمومی علیه دشمن فعال می‌شود؛ در حالی که در جنگ نرم آنچه هدف قرار می‌گیرد، افکار عمومی است. برای دستیابی به این هدف، باید بیش از گذشته رسانه‌ها را مورد توجه قرار دهیم و افکار عمومی داخلی و جهانی را نسبت به دروغ‌پردازی رسانه‌های خارجی آگاه کنیم. این دو مهم فقط با تقویت رسانه‌های خودی و تلاش برای بین‌المللی کردن این رسانه‌ها میسر است. هر ملتی و کشوری دارای منابع قدرت نرم است که شناسایی و تقویت و سازماندهی آنها می‌تواند بر اساس یک طرح جامع، تبدیل به یک فرصت و هجوم به دشمنان طراح جنگ نرم شود. به عنوان مثال، منابع قدرت نرم در ایران را می‌توانیم «ایدئولوژی اسلامی»، «قدرت نفوذ رهبری»، «حماسه‌آفرینی‌ها» و «درجه بالای وفاداری ملت به حکومت» و موارد پیش‌گفته برشمیریم.

در خصوص راهکارهای فرهنگی و اجتماعی مناسب برای مقابله با سیاستهای جنگ روانی و قدرت نرم، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

الف) افزایش مؤلفه‌های خودباوری در میان مردم

حضور به نفس حقیقی، یکی از بارزترین عناصر مؤثر در قدرت نرم یک کشور است. در حقیقت؛ مفتخر بودن جامعه یک کشور به سنن، تاریخ، حال و امید به آینده خود، نشان از یکی از جنبه‌های پایدار اقتدار نرم دارد. منشأ این اعتماد به نفس را می‌توان در منابع بسیاری جستجو کرد. افتخار به آیین و مذهب، رضایت از زندگی در جامعه خودی، ارجحیت دادن فکر و کالای کشور خود به دیگر کشورها، آمادگی برای هزینه دادن در راستای استقلال سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی خود به دیگر کشورها و بسیاری موارد دیگر، از جمله این منابع می‌باشند. افزایش مؤلفه‌های خودباوری در کنار تأثیرات داخلی و ایجاد استحکام درونی، جلوه‌های جذاب و عمیقی نیز در ارتباطات خارجی یک کشور بازی می‌کند.

ب) استفاده از نگاهی علمی برای بازسازی توان دیپلماسی عمومی و

فرهنگی کشور



جمهوری اسلامی ایران سالهاست که از طریق نهادها و سازمانهای مختلف تلاش دارد تا پیام انقلاب را به گوش مخاطبان خود در اقصی نقاط جهان برساند. این مخاطبان که تعداد آنها کم هم نیست، هر روزه آماج تبلیغات، سخنان و ایدئولوژیها و مظاهر قدرت نرم دیگر رقبای جمهوری اسلامی نیز می‌باشند. به همین دلیل، ایجاد یک روش و ساختار مناسب، که سه مؤلفه به روز بودن، انعطاف داشتن و جذابیت را با خود همراه داشته باشد، از مهم‌ترین و ضروری‌ترین پیش‌نیازهای یک دیپلماسی عمومی موفق و دارای مخاطب است. البته جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، ظرفیتهای بالایی دارد. (بلیک و گلشن‌پژوه، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۳۴). با این رویکرد، بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان علمی و محیط‌های علمی می‌تواند کمک شایان توجهی به دستگاه دیپلماسی کند.

ج) آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی روشی معقول جهت مقابله با قدرت نرم و جنگ روانی است؛ به این معنا که باید انتظار داشت در آینده، جنگ روانی یا مؤلفه‌های قدرت نرم دشمنان، به طرق گوناگون پیاده‌سازی خواهد شد. کشور ایران باید نوع، چگونگی، کانون و ... مبانی جنگ روانی و قدرت نرم را برآورد کرده، سیاستها و راهبردهای مناسب را طراحی کند (ر.ک.به: عسگری، ۱۳۸۸: ۹۷). شناخت و پیش‌بینی ترفندها و تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی نیز در همین مسیر می‌تواند به کشورها در زمینه پدافند غیر عامل و آمادگی مقابله در فضای نامتقارن آینده که از حرب‌های فرهنگی استفاده می‌شود، کمک کند.

د) بسیج سازمان‌یافته نیروهای اجتماعی

از دیدگاه باری بوزان^۱، بسیج عمومی تنها عاملی است که کشورهایی مانند ایران می‌توانند برای مقابله با امکانات گسترده‌تر غرب به کار بگیرند. اشکال مختلف بسیج عمومی، نقش تعیین‌کننده‌ای در این مقوله ایفا می‌کند، ولی میزان بسیج عمومی مورد لزوم برای مقابله با نفوذ خارجی، بیش از مقدار لازم برای پایان بخشیدن به سلطه غرب است. در عین حال باید توجه داشت که چگونه این بسیج اجتماعی به وجود می‌آید (بوزان، ۱۹۸۳: ۳۵-۱۹). بسیج سازمان‌یافته نیروهای اجتماعی همانند پادزهری در قبال جنگ روانی عمل می‌کند و ایران باید در این زمینه هر چه بیشتر کوشا باشد.

ه) تعیین قاطعانه خطوط قرمز در فرهنگ و تمدن برای استفاده بهینه از

1. Buzan.

ظرفیتهای آنها

یکی از مشکلات کنونی در تعیین و اجرای سیاستهای فرهنگی، مشخص نبودن گستره قابل استناد و همچنین تعریف یکسان یا حداقل نزدیک کارشناسان و مسئولان از موضوعات فرهنگی است. این امر به خصوص در زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که جنبه‌های اسلامیت کشور مفروض می‌شوند. در حقیقت، می‌توان با این تفصیلات پی برد که ظرفیت و توان تأثیرگذاری آرایه‌های متفاوت و متعدد تمدن ایران بر قدرت نرم کنونی نظام جمهوری اسلامی ایران، چیزی فراتر از حد تصور است. در دنیای کنونی، به دلیل رشد سریع ابزارهای ارتباطی و پیشرفت لحظه به لحظه فناوری‌های مختلف، هر چند فواصل انسانها با یکدیگر کمتر شده و بیان می‌شود که جهانی شدن فرهنگها در حال رخ دادن است و انسانها در نهایت دارای یک فرهنگ خواهند بود. در این فضا، تمدن شکوهمند، با اقتدار، معناگرا، توحیدی و خوشنام ایرانی، امکان و توان بسیاری برای مطرح شدن دارد و یقیناً مدیریت هوشمندانه و جسورانه این امر توسط نظام، در نهایت قدرت نرم بی‌بدیلی را برای ایران اسلامی فراهم خواهد کرد. (بلیک و گلشن‌پژوه، ۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۳۶)

(و) تولید علم و فناوری‌های نوین

در حوزه زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بهره‌مندی از اطلاعات مهم‌ترین ابزار قدرت و محرومیت از آن، فقر، وابستگی، فلاکتهای اجتماعی و اخلاقی را در پی دارد. در واقع؛ اطلاعات، مقدمه ایجاد علم و فناوری و سپس حکمت محسوب می‌شود. پس ایران در راستای صیانت از انقلاب اسلامی و مبارزه با مظاهر نابرابری و ارتقای توان ملی که در نهایت امنیت نرم و همه‌جانبه را در سطوح گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و البته نظامی برای جمهوری اسلامی ایران را در پی دارد، ضرورتاً پرداختن به تولید علم به ویژه تقویت مبانی دستیابی گسترده و مستمر به فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی در کشور را می‌بایستی در دستور کار خود قرار دهد. این امر نه فقط زمینه‌های فقر اجتماعی و اقتصادی و قدرت ضعیف ملی را از طریق افزایش سطح و امکان دسترسی به فناوری‌های نوین در کشور از میان می‌برد یا کاهش می‌دهد، بلکه امکان نظارت مستقیم بر کارکرد این فناوری‌ها را برای نوعی توزیع عادلانه دسترسی همگانی به آن فراهم می‌کند (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۰). پس تولید علم و رشد فناوری‌های نوین، یکی از مبانی ایجاد قدرت نرم است که باید در راستای بازتولید قدرت نرم به آن اشاره کرد.





ز) فعال‌سازی نیروهای انسانی - اجتماعی

یکی دیگر از نشانه‌های امنیت نرم در جمهوری اسلامی را می‌توان فعال‌سازی نیروهای اجتماعی در قالب اجتماع امنیتی دانست. مطالعات امنیتی که با رویکرد سازه‌انگاری انجام گرفته است، تلاش دارد تا فرایندهای تحول اجتماعی و بین‌المللی را در ارتباط با یکدیگر مورد ارزیابی قرار دهد. از آنجا که بخش عمده‌ای از تهدیدهای امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران، ماهیت نرم‌افزاری پیدا کرده؛ نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. در عین حال، ساختار فرهنگی - اجتماعی ایران از آسیبهای متعددی رنج می‌برد. دولتی بودن و عدم تکیه بر امکانات و توانمندی‌های بخش خصوصی، مهم‌ترین نکته قابل بیان در این زمینه است. فقدان یا ضعف نیروی انسانی متخصص، عدم پشتیبانی بخش آموزش عالی از گروههای اجتماعی، نامتجانس بودن ساختار نیروی انسانی در رسانه‌ها، فقدان قوانین حمایتی از شهروندان در برابر چالشهای سیاسی، شرایط ناپایدار فضای اجتماعی، خطرپذیری فعالیتهای اقتصادی، ضعف ساختار فنی و فناوریانه، به خصوص در بخش خبرگزاری‌ها و اینترنت، از جمله مسائلی‌اند که پیوند سازمانی و نزدیکی با موضوع آسیب‌پذیری ساختار رسانه‌ای، فرهنگی، ناهنجاری و اجتماعی را در ایران به وجود می‌آورد (متقی، ۱۳۸۷: ۲۰۲-۱۹۹). برای فعال‌سازی و بهینه‌سازی شرایطی که به امنیت اجتماعی منجر می‌شود، می‌توان بر ضرورت تولید نشانه‌های هنجاری، رسانه‌ای و ایدئولوژیک تأکید داشت. این امر به مفهوم آن است که نظام اجتماعی در ایران می‌تواند شرایطی را سازماندهی کند که زمینه هماهنگ‌سازی گروههای عام را فراهم کند (همان: ۲۰۲). پس باید ادعا کرد که ایجاد بسیج اجتماعی یکی از علل اصلی در توانمندی قدرت نرم یک کشور محسوب می‌شود. هر چه بین نیروهای اجتماعی یک جامعه اتحاد بیشتری باشد، آن جامعه و کشور در برابر حمله نرم دشمنان ایستادگی بیشتری خواهد داشت.

ح) قانونمند کردن نظام جامع دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

یکی از راهکارهای تکلیف‌گرایی کارگزاران نظام در برابر تهاجم نرم‌افزاری ناتوی فرهنگی، قانونمند کردن نظام جامع دیپلماسی فرهنگی با هم‌اندیشی وزارت امور خارجه، مجلس شورای اسلامی و متولیان فرهنگی است که در صورت تحقق می‌تواند حداکثر بهره‌وری بهینه از ظرفیتهای و بالتبع، عمق راهبردی نرم‌افزاری نظام را توسعه دهد که برخی مصادیق آن عبارتند از:

یک) نظام‌مند شدن کارویژه دیپلمات فرهنگی از رویکرد امنیت ملی وابسته فرهنگی سفارتخانه‌ها و دفاتر فرهنگی ایران در کشورهای خارجی، نقش مهمی را در عمق‌بخشی به اقتدار برون‌سیستی و مهار تهدیدهای نرم ایفا می‌کنند.

(دو) هوشیارسازی متولیان فرهنگی نظام نسبت به ابزارها و شیوه‌های تهاجم نرم‌افزاری غرب.

(سه) انعکاس جنایات گروههای تروریستی به ویژه سازمان منافقین، در قالب عکس، توزیع لوح فشرده، بروشور یا کتاب، که در صورت سازماندهی مناسب می‌تواند در تقویت تعامل میان گروههای دوستی پارلمانی ج.ا.ایران و کشورهای میزبان برای افزایش فشار بر گروههای تروریستی مؤثر باشد.

(چهار) تدوین سازوکارهای تقنینی و اجرایی مناسب برای افزایش تعامل میان نهادهای داخلی و شورای ایرانیان خارج از کشور.

(پنج) آشنا کردن ایرانیان و اتباع کشور میزبان با نقش مثبت و تأثیرگذار دولت و مجلس شورای اسلامی در حوزه سازندگی و جنبش نرم‌افزاری تولید علم، که در صورت بهره‌گیری از شیوه‌های تبلیغاتی مناسب می‌تواند تصاویر مناسبی را از اقتدار و رابطه سازنده دولت و مجلس در افکار اتباع کشور میزبان تداعی نماید و بخشی از سناریوی جنگ روانی - رسانه‌ای غرب برای ترسیم فضای اختلاف در داخل را خنثی سازد. (دلاورپور، ۱۳۸۸: ۱۹)

سال هشتم - شماره ۷۷
پاییز ۱۳۹۲

ط) حمایت تقنینی و مالی از تعمیق قدرت نرم نظام در محیط‌های مجازی

یکی از شاخصه‌های دورنمای جنگ‌های پیش رو، سرمایه‌گذاری کشورها در مقوله «جنگ اندیشه در محیط‌های مجازی» است و کشوری موفق خواهد بود که بتواند زمینه‌های حداکثر بهره‌وری از محیط‌های وب با جدیدترین شیوه‌های دانش دیپلماسی عمومی را فراهم کند؛ زیرا دانش‌افزایی و هوشمندسازی برخط جامعه در برابر تهدیدهای نرم، آستانه مقاومت ملی و کارآمدی نظام در محیط‌های مجازی را ارتقا می‌دهد. توصیه می‌شود برخی نهادهای راهبردی نظام، مانند وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، حوزه علمی‌قم و سازمان تبلیغات اسلامی، بخشی از کارویژه‌های عملیاتی خود را به سمت روزآمد کردن شیوه‌های مقابله با تهدیدهای نرم و جنگ روانی - رسانه‌ای متمرکز کنند، به ویژه اینکه اکثر مخاطبان خبررسانی برخط را،



اقتدار فرهیخته، دانشجویان و دانش‌پژوهان تشکیل می‌دهند که نقش مهمی در نهضت نرم‌افزاری تولید علم و تحقق دانشگاه اسلامی بر عهده دارند. (همان)

ی) تقویت قابلیت‌ها و ظرفیتهای رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در عرصه داخلی و خارجی برای خنثی کردن تهدیدهای ناشی از تلاش غرب برای ایجاد جنگ روانی (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۲۰۵)

بی‌شک فناوری‌ها و اختراعات یک قرن اخیر و برنامه‌های توسعه‌طلبانه کشورهای بزرگ، نقش مهمی در پدید آوردن فضاهای فرا جهانی در تمامی زمینه‌ها داشته است. یکی از فناوری‌ها و اختراعاتی که در این زمینه از اهمیت بسیاری برخوردار شده است، رسانه است. بدون تردید، عبارت معروف «رسانه‌ها به مثابه رکن چهارم دموکراسی»، دیرزمانی است که به عنوان یکی از ویژگی‌های عنوان شده در توصیف عملکرد رسانه‌ها در علوم اجتماعی، سیاسی و مطالعات رسانه‌ای، نظر بسیاری از کارشناسان، نظریه‌پردازان و مخاطبان علوم را به خود جلب کرده است. شهروندان کشورهایی که حضور قدرتمند رسانه‌ای را تجربه می‌کنند نیز به نوبه خود با عبارت یاد شده مأنوس هستند. (کاوایی، ۱۳۸۴: ۳۵)

اهمیت رسانه‌ها در جهان امروز به گونه‌ای است که در حکم ابزار حسی افراد محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر؛ افراد احساسات خود را به رسانه قرض می‌دهند و رسانه به جای ایشان می‌بیند، می‌شنود و حتی درک می‌کند. این امر نشان از نفوذ رسانه در بین مردم دارد. رسانه‌ها با ایفای نقش و کارکردهای مختلف، موقعیتهای مختلف را گوناگونی را به نمایش می‌گذارند. وسایل ارتباط جمعی در تمامی کشورها نقش حساس و مهمی را ایفا می‌کنند و این نقش در زمینه‌های مختلف، از جمله سیاسی و فرهنگی، از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به نوعی، به امنیت ملی کشورها مربوط است. اهمیت رسانه‌های جمعی به حدی است که دانشمندان در تقسیم‌بندی مراحل تاریخی تمدن بشر، آن را لحاظ کرده‌اند.

از این رو، اصحاب رسانه باید در جنگ نرم نیز؛ حفظ منافع ملی، تصویرسازی درست توأم با امیدآفرینی، کمک به تقویت وحدت و انسجام ملی و ایجاد تحرک و نشاط در جامعه و تولیدات مؤثر رسانه‌ای را در دستور کار خود قرار دهند. تردیدی نیست که رسانه‌ها تأثیرگذاری عمیق و سریعی در شکل‌گیری نگرشها و باورها نسبت به مسائل

داخلی و بین‌المللی دارند و این مهم با حضور مثبت و فعال در عرصه‌های جهانی، با درک موقعیت منطقه‌ای و جهانی ایران اسلامی و روی‌آوری رسانه‌ها به برخورد حرفه‌ای و رویکرد تولیدی بدون تأثیرپذیری از تبلیغات هدفدار خارجی، بهتر و همگون‌تر با منافع محقق خواهد شد. با شفاف‌سازی رسانه، به درستی می‌توان بر قدرت نرم دشمنان در سطح داخلی و خارجی فائق آمد و از آن به عنوان یک ابزار مؤثر بهره جست.

به هر روی، در کنار پیشنهادهای ارائه شده برای مهار و مدیریت قدرت نرم غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به موارد ذیل به عنوان برخی راهبردهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای مقابله با جنگ نرم دشمنان اشاره کرد: تقویت توانایی ملی و تأکید بر پتانسیل‌های مردمی به عنوان سطوح میانی مقابله با قدرت نرم فرهنگی؛ پرهیز از ایجاد هر گونه فضای تشنج‌آمیز و کمک به آرام‌سازی جامعه با مشارکت خودجوش مردمی؛ حمایت از برنامه‌های راهبردی دولت در زمینه پدافند غیر عامل؛ مقابله با شایعات و تبلیغات مسموم بیگانگان؛ توجه به رهنمودهای مسئولان و متولیان کشور در زمینه مقابله با تهدیدهای نرم‌افزاری؛ همکاری با نهادهای نظام سیاسی در راستای آسیب‌شناسی وضع موجود و شناخت نقاط ضعف و قوت برای تقویت نقصان و صیانت از نقاط قوت کشور؛ تربیت نسل جوان و کارآزموده برای تقویت قوای کشور؛ عدم توجه به سخن‌پراکنی‌های رسانه‌های بیگانه، تلویزیونهای بین‌المللی و برنامه‌های ماهواره‌ای؛ حمایت و صیانت از فرهنگ بومی؛ تلاش برای صدور و معرفی کردن فرهنگ اسلامی - ایرانی به مثابه یکی از ارکان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛ پرهیز از پذیرش کامل فرهنگ غربی و داشتن نگاه‌گزینشی به فرهنگ‌های وارداتی؛ راه‌اندازی مؤسسات فرهنگی متنوع برای رفع نیازهای داخلی و جلوگیری از وابستگی فرهنگی به نظام‌های غربی و بنگاه‌های تولید و پخش فرهنگ غربی؛ زمینه‌سازی برای معرفی و تشریح لوازم و مصنوعات فرهنگی و آداب و رسوم‌های بومی - ارزشی؛ آگاه‌سازی مردم نسبت به تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی نوین؛ مقابله به مثل با تهدیدهای فرهنگی کشورهای غربی؛ برگزاری همایش‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نقاط مختلف جهان؛ افزایش همکاری‌های فرهنگی با کشورهای منطقه به خصوص کشورهای اسلامی برای تقویت و بازپروری فرهنگ اسلامی برای بازتولید قدرت نرم؛ تولید برنامه‌های رسانه‌ای و دیجیتالی فرهنگی در سطحی وسیع؛ تأمین بودجه‌های



فرهنگی و حمایت از متولیان فرهنگی؛ گزینش مسئولان فرهنگی متعهد و پایبند به ارزش‌های اسلامی به منظور تقویت برنامه‌های فرهنگی ایران در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی؛ تأسیس پژوهشکده‌های فرهنگی برای آسیب‌شناسی و رصد تحولات فرهنگی روز؛ حمایت از فرهنگ اسلامی- ایرانی در مجامع بین‌المللی و موضع‌گیری‌های شفاف در مقابل تخریب‌های فرهنگی غرب.

نتیجه‌گیری

بحث جنگ و ابعاد آن، همواره پیش روی بشر بوده است و فضای آرام و محیط امن را به یک فضای متشنج تبدیل می‌کند. منتها جنگ‌ها همیشه به یک صورت نبوده و نیستند. امروزه شاهد گسترش جنگ/ قدرت نرم هستیم؛ جنگ و قدرتی که دارای چهره‌ای ملایم است، اما ماهیتی سهمگین و خطرناک دارد. پس باید این گونه جنگ‌ها و عملیات‌های نرم‌افزاری را شناسایی کرد تا از گزند آنها مصون ماند. تأکید بر نرم‌افزارگرایی به عنوان اثربخش‌ترین، کارآمدترین، کم‌هزینه‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور، می‌تواند سطحی گسترده از تخریب را برای جامعه هدف به همراه آورد. به همین منظور، بازیگران سلطه‌گر با کاربرد قدرت نرم فرهنگی و ابزارهای ارتباطی، مقاومت ملت‌ها و نظام‌های سیاسی معارض را پیش از عملیات نظامی فرو می‌ریزند. بنابر این، مجموع، نقصان موجود و شکست‌های متوالی تهدیدهای سخت در محیط بین‌الملل، بازیگران را مجاب کرد که به سمت قدرت جدیدی گام بردارند تا هزینه‌ها، چالش‌ها و تلفات مادی و معنوی را بکاهند. ایران هم به دلیل داشتن خصلت‌های مادی و معنوی گوناگون، همواره با هجمه دشمنان مواجه بوده و امروز ماهیت این نزاع‌ها در قالب جنگ روانی و جنگ نرم خود را نمایان ساخته است. غرب و دوستان آن برای دستیابی به اهداف خویش، به سوی قدرت نرم فرهنگی به مثابه بدیلی مناسب در قبال ایران و کشورهای ناهمسو روی آورده‌اند که ماهیت این گونه تهدیدها، بسیار خطرناک‌تر است و مقابله با آن نیازمند دقت و صرف زمان است و احتیاج به پتانسیل‌های مردمی و سطح نخبگانی است. از جمله مبانی قدرت نرم ایران می‌توان به انسجام ملی و اتحاد و وحدت در سطح جامعه؛ رهبری مقتدر؛ فرهنگ و هویت غنی ایرانی و اسلامی؛ جنبش نرم‌افزاری؛ گزینش راهبردهای مناسب حل مشکل؛ نیروی انسانی کارآمد و غیره اشاره کرد. در مقابل، برای مقابله با

قدرت نرم دشمنان، روشها و اموری را مد نظر قرار داد که برخی از راهبردهای ارائه شده به شرح ذیل است: گسترش بسیج اجتماعی؛ افزایش کارآمدی؛ استفاده از ابزارهای نوین و فناوری‌های ارتباطی و تولید علم؛ توجه به شکافهای قومی، فرقه‌ای، صنفی و دانشجویی با اتخاذ راهکارهای مناسب؛ تقویت قابلیت‌ها و ظرفیتهای رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در عرصه داخلی و خارجی برای خنثی کردن تهدیدهای ناشی از تلاش غرب برای ایجاد جنگ روانی؛ حمایت تقنینی و مالی از تعمیق قدرت نرم نظام در محیط‌های مجازی، تعیین قاطعانه خطوط قرمز در فرهنگ و تمدن جهت استفاده بهینه از ظرفیتهای آنها؛ استفاده از نگاهی علمی برای بازسازی توان دیپلماسی عمومی کشور و گسترش مؤلفه‌های خودباوری کشور.

منابع

- احدی، افسانه (۱۳۸۷). «نگاهی به پروژه‌های آمریکایی ایجاد شبکه‌هایی از مسلمانان میانه‌رو». جنگ نرم، جلد ۵. تهران: ابرار معاصر.
- اسماعیلی، بابک (۱۳۸۹). نبرد نرم در بستر دموکراسی. تهران: درک نو.
- اسماعیلی، علی محمد (۱۳۸۹). جنگ نرم در همین نزدیکی. تهران: ساقی.
- اصغری، محمود (۱۳۸۶). «وحدت اسلامی؛ میانی و ضرورت‌ها». فصلنامه اندیشه حوزه، سال سیزدهم، شماره ۶-۵ (آذر و دی).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). چهره قدرت نرم، در قدرت نرم. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). «قدرت نرم حکومت اسلامی: منابع و کاربرد». کاربرد قدرت نرم. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۹). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). «میانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، ش ۴۰ (پاییز).
- بلیک، ژانت و محمودرضا گلشن‌پژوه (۱۳۸۹). «قدرت نرم، تهدید نرم: پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی». فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، ش ۵۵ (تابستان).
- پور احمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: بوستان کتاب.
- پور احمدی، حسین (۱۳۸۷). «قدرت و امنیت نرم در نظام جهانی؛ با تأکید بر نقش و جایگاه بسیج». قدرت نرم، جلد ۳. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- ترابی، طاهره (۱۳۸۷). «بازخوانی قدرت نرم با تأکید بر فرهنگ ایرانی - اسلامی». قدرت نرم، جلد ۱. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۷). «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند



- تحولات جهانی». فصلنامه علوم سیاسی، ش ۴۱ (بهار).
- دلاورپور، مصطفی (۱۳۸۸). «راهبردهای امنیتی ایران در مقابله با جنگ نرم مخالفان/دفاع نرم». دو هفته نامه پگاه حوزه، ش ۲۵، ۲۵۲، فروردین.
- ردادی، محسن (۱۳۸۹). منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی در اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۰). عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران. تهران: مرکز پژوهشهای خاورمیانه.
- سلیمانی پور لک، فاطمه (۱۳۹۰). قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ دوم.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۰). جنگ نرم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- صابری، مجید (۱۳۸۹). «جنگ نرم آمریکا علیه ایران». روزنامه رسالت، ش ۷۱۰۸، ۲۵ مهرماه.
- طائب، مهدی (۱۳۸۹). نگاهی به عملیات روانی در اسلام. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی و زمزم هدایت.
- ظهیری، مجید (۱۳۸۷). «درآمدی بر ماهیت‌شناسی اتحاد ملی». فصلنامه اندیشه حوزه، سال چهاردهم، ش ۱ (فروردین و اردیبهشت).
- عسگری، محمود (۱۳۸۸). «بسیج و مقابله با شورشهای داخلی». فصلنامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، ش ۴۳ (تابستان).
- عسگری، محمود (۱۳۹۰). قدرت افکنی؛ الزامی برای بازدارندگی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فرهادی، محمد و محسن مردایان (۱۳۸۷). «درک قدرت نرم با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران». قدرت نرم، جلد ۱. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). «فرهنگ بخش فراموش شده و یا عنصر ذاتی نظریه روابط بین‌الملل». مجله سیاست خارجی، ش ۷۴ (تابستان).
- کاویانی، رضا (۱۳۸۴). «حاکمان جدید رسانه‌های جهان را بهتر بشناسیم». فصلنامه رادیو و تلویزیون، سال سوم، ش ۱ (تابستان).
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۸۷). «اتحاد ملی، چالش اساسی و بایستگی‌ها». اندیشه حوزه، سال چهاردهم، ش ۲ (خرداد و تیر).
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹). «راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران». قدرت و جنگ نرم. گردآوری حجت‌الله مرادی. تهران: ساقی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۷). «بسیج و تولید امنیت نرم». قدرت نرم، جلد ۳. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- متقی، افشین (۱۳۸۷). «جنگ نرم و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». جنگ و قدرت نرم/از نظریه تا عمل. تهران: ساقی.
- متقی دستنایی، افشین (۱۳۸۹). «جنگ نرم و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». قدرت و جنگ نرم. گردآوری حجت‌الله مرادی. تهران: ساقی.
- محمدی، علی (۱۳۸۹). جنگ نرم در فضای رسانه‌ای و سایبری. زنجان: دانش زنجان.
- مهرعطاء، رضا (۱۳۸۸). «آمریکا و به کارگیری تهدید نرم». ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال هفتم، ش ۷۵ (مرداد).

- نای، جوزف (۱۳۸۷/الف). رهبری و قدرت هوشمند. ترجمه محمودرضا گلشن پژوه و شوشتری زاده. تهران: ابرار معاصر.
- نای، جوزف اس (۱۳۸۷/ب). قدرت در عصر اطلاعات، از واقع گرایی تا جهانی شدن. ترجمه سعید میرترابی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نوایی، علی اکبر (۱۳۸۷). «اتحاد ملی از منظر امام و رهبری». فصلنامه اندیشه حوزه، سال چهاردهم، ش ۲ (خرداد و تیر).
- نوایی، علی اکبر (۱۳۸۶). «انسجام اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری». فصلنامه اندیشه حوزه، سال سیزدهم، شماره ۶-۵ (آذر و دی).
- Buazan, Barry (1983). **Security Strategies for Dissociation**. New York: University Press.
- Knight, Daric (2007). **Iran and Strategic Power Projection**. United States Army Command and General Staff College.
- Nye, Joseph (2004). **Soft Power**. New York: Public Affairs.

